

Analytical study of the theory of symmetric order in explaining the coherence of Surah Yusuf (with emphasis on Raymond Farrin's approach)¹

(Received: 2022-10-10 Accepted: 2023-01-09)

Hamidreza Fazeli², Bemanali Dehghan Mangabadi³,
Ahmad Zare Zardini⁴, Mohammad Ali Haydari Mazraih Akhund⁵

Abstract

One of the types of Quranology in recent decades among Orientalists and Muslims is new research in recognizing new areas of the order of the Holy Quran. In this regard, research based on symmetric order has been able to occupy a good position in this regard. The present article, using a descriptive-analytical method, will examine the approach of "Raymond Farrin", a contemporary Quran researcher. Relying on the theory of symmetrical order, he analyzes the rhetoric of Surah Yusuf. This article first introduces the concept of symmetrical order and then expresses Raymond Farrin's view on the order of Surah Yusuf and reviews it. Raymond Farrin divides Surah Yusuf into eleven sections and establishes an inverse relationship between the sections of the Surah and presents a general and comprehensive model of the relationship between the sections of the Surah. Among the criticisms of his work; We can not mention the principles of division and misinterpretations of Surah Yusuf, such as the negativity of the soul, Yusuf's inclination towards Zulaikha, and the imprisonment of the thief of the King's Cup. One of the results of this research is proving the regular structure of Surah Yusuf.

Keywords: Holy Quran, Raymond Farrin, Surah Yusuf, Circular Composition, Semitic Rhetoric, Heart Industry.

1) The article is taken from the doctoral dissertation of a respected student

2) PhD student in Quranic and Hadith Sciences, majoring in comparative interpretation, Yazd University, Yazd, Iran Email:hr.fazeli114@gmail.com

3) Associate Professor of Quranic and Hadith Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. (The Corresponding Author) Email:badehghan@yazduni.ac.ir

4) Associate Professor of Quranic and Hadith Sciences, Meybod University, Meybod, Iran Email: meybod.ac.ir@Zarezardini

5) Assistant professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Yazd University, Iran. Email: heydari@yazd.ac.ir



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۹-۳۴

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.2.7.6

بازخوانی انسجام ساختاری قرآن کریم در پرتو نظریه نظم متقارن از دیدگاه ریموند فرین (مطالعه موردی سوره یوسف)^۱

(تاریخ دریافت ۱۸-۰۷-۱۴۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۹-۱۰-۱۴۰۱)

حمیدرضا فاضلی^۲، بمانعلی دهقان منگابادی^۳، احمد زارع زردینی^۴، محمدعلی حیدری مزرعه آخوند^۵

چکیده

یکی از گونه‌های قرآن‌شناسی دهه‌های اخیر در میان مستشرقان و مسلمانان، پژوهش‌های نوین در شناخت ساخت‌های جدید نظم قرآن کریم است که در این میان پژوهش‌های مبتنی بر نظم متقارن توانسته است جایگاه خوبی را در این میان به خود اختصاص دهد. مقاله حاضر با در پیش گرفتن روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی رویکرد «ریموند فرین»، قرآن پژوه معاصر خواهد پرداخت. وی با تکیه بر نظریه نظم متقارن به تحلیل بلاغی سوره یوسف می‌پردازد. این مقاله، نخست به معرفی مفهوم نظم متقارن پرداخته و پس از آن دیدگاه ریموند فرین در نظم سوره یوسف را بیان کرده و به نقد و بررسی آن می‌پردازد. ریموند فرین سوره یوسف را به یازده بخش تقسیم می‌نماید و به صورت معکوس میان بخش‌های سوره ارتباط برقرار کرده و یک مدل کلی و فراگیر را از ارتباط بخش‌های سوره ارائه می‌کند. از جمله نقدهایی که بر کار وی وارد است؛ می‌توان به عدم ذکر مبانی تقسیم‌بندی و ارائه تفاسیر اشتباه از سوره یوسف همچون منفی انگاری روح، تمایل یوسف به زلیخا و زندانی کردن سارق جام پادشاه اشاره کرد. از نتایج پژوهش می‌توان تبیین بهتر زیبایی ترکیب متن سوره یوسف، توسعه مباحث اعجاز ادبی قرآن کریم و توسعه مباحث متن پژوهی جدید در راستای اثبات عدم تحریف قرآن اشاره نمود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ریموند فرین، سوره یوسف، ترکیب حلقوی، بلاغت سامی، صنعت قلب.

(۱) مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشجو است.

(۲) دانشجو دکتری، علوم قرآن و حدیث گرایش تفسیر تطبیقی دانشگاه یزد، یزد، ایران، ایمیل: hr.fazeli114@gmail.com

(۳) دانشیار، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران، (نویسنده مسئول)، ایمیل: badehghan@yazduni.ac.ir

(۴) دانشیار، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران، ایمیل: Zarezardini@meybod.ac.ir

(۵) استادیار، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران، ایمیل: heydari@yazd.ac.ir



۱. مقدمه

بحث پیرامون نظم و پیوستگی آیات قرآن در میان مسلمانان از دیرباز بوده و آنان کتب فراوانی را در مورد «نظم القرآن» نگاشته‌اند؛ اما اغلب اندیشمندان غربی معتقدند که آیات قرآن، پراکنده، گسسته و فاقد انسجام ساختاری و موضوعی است. آنان قرآن را پاره متن‌های به هم ریخته‌ای می‌دانند که هیچ ارتباطی میان موضوعات گوناگون عرضه شده در درون یک سوره وجود ندارد.

در این میان برخی از مسلمانان و خاورشناسان با استفاده از شواهد لفظی و معنوی، پیوستگی قرآن را اثبات نموده‌اند. به عقیده آنان واحدهای متنی بر خلاف ظاهر اولیه‌شان ساختاری مستحکم و منسجم دارند. ریموند فرین^۱ قرآن پژوه آمریکایی و استاد دانشگاه آمریکایی الکویت^۲ از جمله این محققان می‌باشد که مدعی است با توجه به نظریه نظم متقارن توانسته نظم و انسجام آیات سوره یوسف را تبیین کند.

دیدگاه ریموند فرین در نشان دادن پیوستگی و انسجام قرآن کریم اگرچه از سنت مرسوم مفسران و پژوهشگران مسلمان برنخواسته است، اما اشتراک بسیاری با ادبیات اسلامی دارد. (El-Awa, 2006: 164) با توجه به اهمیت دیدگاه ریموند فرین در قرآن پژوهی معاصر غربی، نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی پس از بیان پیشینه‌ای از ساختارشناسی سور به بررسی نظریه نظم متقارن پرداخته و سپس دیدگاه ریموند فرین پیرامون انسجام ساختاری سوره یوسف را مطرح نموده و در انتها به نقد و بررسی دیدگاه وی می‌پردازد. (Cuyper, 2011: 22)

دهه‌های اخیر، شاهد رشد چشمگیر دانش غربی در مورد انسجام موضوعی و وحدت ساختاری سوره‌های قرآنی بوده است. به عنوان مثال میشل کوپرس^۳ ارزش استفاده از روش‌های لفظی حاصل از مطالعات کتاب مقدس را برای تقارن، همبستگی، و ترکیبات حلقه‌ای سوره‌های قرآن را نشان می‌دهد. (Cuyper, 2009) از طرف دیگر، چنین مطالعاتی به دلیل نادیده گرفتن متن عینی در کشف ترکیب حلقه، مورد انتقاد برخی همچون نیکلای

۱) ریموند فرین (Raymond Farrin) قرآن پژوه آمریکایی است. وی فارغ التحصیل از کالج هنر، دانشگاه پنسیلوانیا در ایالات متحده است. او مدتی در قاهره زندگی کرد و زبان عربی آموخت، سپس تحصیلات خود را در دانشگاه کالیفرنیا در دانشگاه برکلی ادامه داد و در آنجا در زمینه شعر باستانی عربی تخصص یافت. او در سال ۲۰۰۶ دکترای خود را از همان دانشگاه در زمینه مطالعات خاور نزدیک دریافت کرد. وی هم اکنون استاد دانشکده ادبیات دانشگاه آمریکایی الکویت است. ریموند فرین بر این باور است که شعر عربی بر تقارن متمرکز است و تقارن در قرآن نیز مشهود است.

2) American University of Kuwait

۳) میشل کوپرس (Cuyper Michel) متولد ۱۹۴۱ قرآن پژوه بلژیکی و از پژوهشگران IDEO، انجمن مطالعات شرقی پدران دومینیک، در قاهره است. وی نزدیک به دوازده سال در ایران زندگی کرده است و دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دارد. حوزه پژوهشی وی نظم بلاغی متن قرآن است. حاصل تلاش وی در نزدیک به دو دهه اخیر چاپ چند مقاله و کتاب در این حوزه از مطالعات قرآنی بوده است. کتاب وی به نام (Banquet. A Reading of the fifth Sura of the Qur'an The) که به تحلیل بلاغی سوره مانده اختصاص دارد در شانزدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، جایزه کتاب سال را دریافت کرد. (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴: ۱۰)

سینای^۱ قرار گرفته است. (Sinai, ۲۰۱۷)

بسیاری از محققانی که درباره وحدت موضوعی و ساختار واحد سوره‌ها بحث می‌کنند؛ به ساختار سوره یوسف توجه نموده‌اند. سوره یوسف بزرگترین وحدت روایی را نشان می‌دهد که ۱۱۱ آیه دارد. مستنصر میر^۲ دو مقاله در زمینه‌های ادبی سوره دوازدهم نوشته که به ساختار حلقوی داستان - که در ادامه به ساختار حلقوی اشاره می‌شود - پرداخته است. (۲۰۰۰ و ۱۹۸۶mir)، آنجلیکا نوویرث^۳ تجزیه و تحلیل دقیق از سوره یوسف ارائه می‌دهد. (Neuwirth, ۱۹۸۰) یاکو همین-آنتیلا^۴ (۱۹۹۱) شرح جامعی^۵ از لغات سوره ارائه می‌دهد و توجه را به ساختار متقارن سوره یوسف جذب می‌کند، اما چیزی از نظم متقارن سوره نمی‌گوید. (Hämeen-Anttila, ۱۹۹۱) نیل رابینسون^۶ ساختار سوره یوسف را آزاد^۷ توصیف می‌کند و طرح کلی مفیدی از سوره ارائه می‌دهد اما بیش از این، آن را بررسی نمی‌کند. (Robinson, ۲۰۰۳) میشل کویپرس مقاله‌ای را به ساختار حلقه سوره یوسف اختصاص داده که یک ساختار متقارن شبیه ساختار آزاد رابینسون نشان می‌دهد. (Cuypers, ۱۹۹۵)

۱) نیکولای سینای (Nicolai Sinai) اهل انگلستان و استاد مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد است. حوزه‌های پژوهشی وی جنبه‌های ادبی قرآن، تفسیر، فلسفه، کلام و عرفان اسلامی می‌باشد. وی دارای بیش از چهل مقاله و کتاب است که از جمله آنان می‌توان به (کتاب مقدس اسلام: مهم‌ترین حقایق درباره اسلام) اشاره نمود. این کتاب به زبان آلمانی و با این مشخصات چاپ شده است:

Die Heilige Schrift des Islams: Die wichtigsten Fakten zum Koran, Freiburg: Herder, 2012

۲) مستشرقان در پرداختن به متن قرآن کریم دو دسته هستند؛ برخی مانند نیکولای سینای بررسی روش‌های تاریخی را بیشتر می‌پسندند، ولی برخی همچون جواد انور قریشی، میشل کویپرس، مستنصر میر، ریموند فرین و نیل رابینسون بر تحلیل متن و روش‌های تقارن تمرکز بیشتری دارند و نقد نیکولای سینای اساساً یک نقد از جبهه مخالف است.

۳) مستنصر میر (Mustansir Mir) متولد ۱۹۴۹ و اهل پاکستان است. وی به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۹ لیسانس و فوق لیسانس خود را از دانشگاه پنجاب لاهور دریافت کرد. سپس در رشته مطالعات اسلامی دانشگاه میشیگان در سطح کارشناسی ارشد ادامه تحصیل داد و در سال ۱۹۸۳ با نگارش رساله «انسجام در قرآن» از این دانشگاه مدرک دکتری گرفت. وی هم‌اکنون در دانشگاه ایالتی یانگستون در اوهایو، رشته مطالعات اسلامی را تدریس می‌کند. (میر، ۱۳۸۸: ۱۶۱) وی ده‌ها مقاله قرآنی را تألیف کرده است که اکثر آن را ابوالفضل حری ترجمه نموده است.

۴) آنجلیکا نوویرث (Angelika Neuwirth) (متولد ۱۹۴۳) استاد مطالعات قرآنی از دانشگاه فرای (Freie)، برلین آلمان است. او مطالعات اسلامی، مطالعات سامی و فلسفه کلاسیک را در دانشگاه‌های برلین، تهران، گوتینگن، اورشلیم و مونیخ تحصیل کرد. وی بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ مدیر موسسه شرق شناسی آلمان در بیروت و استانبول بود. وی در حال حاضر به عنوان استاد در دانشگاه فرای (Freie) برلین و همچنین به عنوان استاد میهمان در دانشگاه اردن می‌باشد. تحقیقات وی بر قرآن، تفاسیر آن و ادبیات مدرن عربی در شرق مدیترانه به ویژه شعر فلسطینی و نثر مربوط به درگیری اعراب و اسرائیل می‌باشد. ایشان به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و عبری مسلط هستند و موفق شدند در سال ۱۹۷۲ دکتری و در سال ۱۹۷۷ پسا دکتری خود را دریافت کنند.

۵) یاکو همین-آنتیلا (Jaakko Hämeen-Anttila) اهل فنلاند و متولد ۱۹۶۳ است. وی استاد زبان عربی و مطالعات اسلام دانشگاه ادنبرگ انگلستان می‌باشد و بیش از بیست مقاله تألیف کرده که از آن میان می‌توان به مقاله مسیحیان و مسیحیت در قرآن (Christians And Christianity In The Qur' Ān) و مقاله کسروی و ترجمه‌های عربی خدای نام (Al-Kisrawi and Arabik) اشاره نمود. مقاله اخیر را کلثوم غضنفری و محمد حیدرزاده ترجمه نموده‌اند. (آنتیلا، ۲۰۱۳: ۵۳)

6) thick description

۷) نیل رابینسون (Neal Robinson) (متولد ۱۹۴۸) در حال حاضر استاد مطالعات اسلامی دانشگاه ولز است. وی مؤلف چهار کتاب و بیش از بیست مقاله است و در تألیف دایره‌المعارف‌های «روتلدج» و «قرآن» نیز همکاری داشته است. بیشترین شهرت وی به خاطر کتاب «کشف قرآن: رویکردی معاصر به متن مستور» است. (رابینسون، ۱۳۹۱: ۱۶۱)

8) loosely chiasitic

جواد انور قریشی^۱ نیز ساختار نظم متقارن سوره یوسف را بیان کرده و به تحلیل آن پرداخته است. (Anwar Qureshi, ۲۰۱۷)

در مقاله حاضر ابتدا به مفهوم‌شناسی نظریه نظم متقارن و تحریف اشاره نموده و سپس با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بازخوانی دیدگاه ریچوند فرین در ساختار سوره یوسف و در آخر به نقد دیدگاه ایشان پرداخته می‌شود.

۲. نظریه نظم متقارن

نظریه «نظم متقارن» یکی از نظریه‌های مطرح در تفسیر ساختاری قرآن است که به آن «بلاغت سامی»^۲ و «تحلیل بلاغی» نیز گفته می‌شود و خاستگاه آن به حدود دویست و پنجاه سال قبل باز می‌گردد. برای نخستین بار میشل کوپرس، این روش تحلیل بلاغی را در متن قرآن به کار بسته است. او از مبسوط‌ترین اثر خود در این حوزه به نام (ضیافت؛ خوانشی از پنجمین سوره قرآن)^۳ به اثبات نظم و انسجام سوره مانده می‌پردازد. (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۲) وی معتقد است این نوع بلاغت، کلیدی برای کشف نظم قرآن کریم است. نظم متقارن در سه نوع تقارن یا سه شکل تألیف پدید می‌آید: ۱. توازی یا ساختار متوازی؛ وقتی که واحدهای یک متن به همان ترتیب اولیه باز ظهور یابند. (C'B'A/ABC') ۲. ترکیب دایره‌ای یا حلقوی؛ وقتی که قسمت‌های یک متن به صورت دایره‌ای متحد‌المركز مرتب می‌گردند. (A'B'C/x/ABC') ۳. نظم آینه‌ای (معکوس)؛ وقتی که عنصر مرکزی وجود ندارد. (C'B'A/ABC') (Cuypers ۳۵:۲۰۲۱, مینت، ۲۰۰۴: ۲۰)

نمونه قرآنی شکل متوازی در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ مطرح گردیده است. واژگان تبعیت، خطوات و شیطان به صورت ساختاری متوازی و پشت سرهم به همان ترتیب نخست، تکرار گردیده است. همچنین نمونه قرآنی ترکیب دایره‌ای را در آیات ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ و ﴿مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ می‌توان یافت. در این مثال مفاصل طَرَفِینِ، دو جمله خبری هستند که در میان آنان، یک جمله پرسشی آمده است. نمونه قرآنی شکلی آینه‌ای در آیه ﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾ مطرح گردیده است. واژگان منافقون، نشهد، رسول و الله به صورت معکوس باز ظهور یافته‌اند. نمونه دیگر از نظم معکوس آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ

(۱) جواد انور قریشی (متولد ۱۹۷۷) استادیار کالج زیتونا است. وی دوره‌های تحصیلات تکمیلی الهیات، کلام و روش تحقیق را تدریس می‌کند. او همچنین به عنوان مدیر اداری برای برنامه MA در متون اسلامی خدمت می‌کند. وی در سال ۲۰۱۹ دکتری خود را در مدرسه الهیات دانشگاه شیکاگو در رشته مطالعات اسلامی به پایان رساند. زمینه‌های تحقیق وی در اندیشه کلاسیک اسلامی، از جمله قرآن پژوهی، ادبیات صوفیه، کلام و بدعت شناسی و منطق است. مقاله حاضر، برنده اولین جایزه بهترین مقاله سالانه اندرو ریپین (Andrew Rippin) با انجمن بین‌المللی مطالعات قرآنی شد.

(۲) rhetoric Semitic

(۳) The Banquest A reading of the Fifth Sura of Quran

مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ﴿۱﴾ می‌باشد که واژه «الرَّسُولُ» با واژه «رِسَالَتَهُ»؛ واژه «بَلَّغَ» با واژه «فَمَا بَلَّغْتَ» و عبارت «مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» با عبارت «إِنْ لَمْ تَفْعَلْ» تقارن دارند که نمونه‌ای دیگر از ساختار آینه‌ای (معکوس) در قرآن کریم می‌باشد.

دیدگاه ریموند فرین پیرامون نظریه نظم متقارن آن است که این نظریه توانایی اثبات انسجام ساختاری قرآن کریم را داراست؛ لذا وی با بهره‌گیری از نظریه نظم متقارن به کاربست این نظریه در قرآن کریم پرداخته است که در ادامه به صورت مصداقی دیدگاه ایشان پیرامون انسجام ساختاری سوره یوسف مطرح گردد.

۳. دیدگاه ریموند فرین در انسجام سوره یوسف

۳.۱. معرفی دیدگاه

بر اساس دیدگاه ریموند فرین سوره یوسف شامل سه بخش است: پیش گفتار، داستان یوسف و سخن نهایی که بخش اول و سوم با هم تقارن دارند.

A. 1-3. پیش گفتار

B. 4-101. داستان یوسف

A'. 102-111. سخن نهایی

همان‌طور که در تصویر فوق مشخص است پیش گفتار یا مقدمه بحث شامل آیات ۳-۱ سوره، اصل داستان یوسف شامل آیات ۱۰۱-۴ و سخن پایانی یا نتیجه‌گیری شامل آیات ۱۱۱-۱۰۲ می‌باشد. پیش گفتار با سخن پایانی مرتبط هستند و یک تقارن را ایجاد می‌کنند. (فرین، ۱۳۹۸: ۹۳)

از دوران گذشته، صاحب‌نظران علوم قرآنی به ارتباط بین آیات آغازین و پایانی اشاره کرده‌اند و اخیراً بسیاری از محققین، الگوی متقارن موجود در این سوره را مورد اشاره قرار داده‌اند. پژوهش حاضر تلاش می‌کند که مطالعات پیشینیان را توسعه دهد و به ویژه میزان شیوع الگوهای متحدالمرکز را درون خود این سوره شناسایی نموده و همین‌طور موضوعات کلیدی این سوره را بیان نماید.

۳.۱.۱. قسمت A. پیش گفتار (آیات ۳-۱)

پیش گفتار (آیات ۳-۱) بیان می‌کند که خداوند وحی خود را به شکل یک قرآن عربی نازل می‌کند تا بلکه مردمان خردمند شوند و اینکه وی بهترین داستان‌ها را برای پیامبر بازگو می‌کند. البته، این داستان یوسف یک داستان مشابه با کتاب مقدس بخش سفر پیدایش

می‌باشد. در واقع، همان‌طور که عبدالحلیم^۱ با مقایسه‌ی داستان‌های کتاب مقدس و قرآن دریافته است، داستان موجود در سفر پیدایش شامل بخشی از تاریخچه ملی یهودیان است. این داستان بعد از داستان یعقوب قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که چگونه یهودیان، کنعان را به مقصد مصر ترک کردند. (Abdel Haleem, ۲۰۰۵: ۱۳۹) از سوی دیگر، داستان یوسف در قرآن در یک سوره مجزا قرار می‌گیرد و یک تاریخچه ملی را روایت نمی‌کند؛ بنابراین برای مثال نام افراد در این سوره بیان نمی‌شود و همه شخصیت‌ها به غیر از یوسف، یعقوب و نیاکان آنها یعنی ابراهیم و اسحاق، بی‌نام هستند. این داستان به زبان عربی بیان شده است، ولی به سادگی می‌تواند برای تمامی مردم قابل استفاده باشد.

ریمنون فرین با وجود آنکه بخش ابتدایی سوره یوسف را به عنوان پیش‌گفتار تلقی می‌کند و سعی دارد مفاهیم و معانی آیات سه‌گانه ابتدایی را مطرح سازد، اما به ساختار متقارن این بخش اشاره نمی‌نماید که گویای این مطلب است که از منظر وی این بخش هیچ‌گونه تقارنی ندارد.

۳. ۱. ۲. داستان یوسف (بخش B)

این بخش (آیات ۱۰۱-۴) شامل داستان حضرت یوسف (ع) می‌باشد که جهت آشنایی با دیدگاه ریمنون فرین این بخش را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم.

۳. ۱. ۲. ۱. قسمت a (آیات ۷-۴)

این بخش با این قسمت شروع می‌شود که یوسف به پدر خود، یعقوب می‌گوید که خوابی دیده است که در آن یازده ستاره و خورشید و ماه در برابر وی سجده می‌کنند. از آنجا که یوسف یازده برادر دارد، پدرش می‌فهمد که ستاره‌ها نشان دهنده آنها هستند. این درحالی است که خورشید و ماه در پاسخ حضرت یعقوب (ع) مدنظر قرار نگرفته‌اند، ولی می‌توانند نشان دهنده والدین یوسف باشند. یعقوب به یوسف گوید که نباید خواب خود را برای برادران خود تعریف کند؛ زیرا ممکن است علیه او توطئه کنند. وی اضافه می‌کند که خداوند تعبیر خواب را به او یاد خواهد داد و موهبت خود را در حق او و در حق خاندان یعقوب کامل خواهد کرد، همان‌طور که در حق ابراهیم و اسحاق کامل کرده است.

ریمنون فرین این قسمت را به a نامگذاری می‌نماید که مشتمل بر آیات ۷-۴ سوره یوسف است. وی با وجود آنکه مفاهیم و معانی این آیات را مطرح می‌سازد، اما به ساختار متقارن این بخش اشاره‌ای نمی‌نماید که نشان دهنده عدم تقارن میان آیات ۷-۴ سوره یوسف از

(۱) محمد عبدالحلیم (متولد ۱۹۳۰) در مصر می‌باشد. ایشان در پنج سالگی حافظ کل قرآن گشت و در سال ۱۹۵۶ به کالج دارالملک پیوست و پس از فارغ التحصیلی، در سال ۱۹۶۱ به انگلستان سفر کرده و دانشجوی رشته ادبیات دانشگاه کمبریج گردید. ایشان هم‌اکنون استاد مطالعات اسلامی در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و سردبیر مجله مطالعات قرآنی (Journal of Qur'anic Studies) است. از تالیفات وی می‌توان به ترجمه قرآن به زبان انگلیسی اشاره نمود که در سال ۲۰۰۴ انتشارات دانشگاه آکسفورد آن را چاپ کرد و به دلیل شیوایی و روان بودن، استقبال گسترده‌ای از این ترجمه صورت گرفت.

منظر ریموند فرین است.

۳. ۲. ۱. قسمت b (آیات ۱۹-۸)

بخش دوم این داستان مرتبط با توطئه موفقیت‌آمیز برادران برای خلاص شدن از دست یوسف است. آنها به این دلیل حسادت می‌کنند که وی محبوب پدرشان است. یعقوب نگران و حس بدی دارد که آنها یوسف را برای تفریح و بازی بیرون ببرند، با اینکه برادران تضمین می‌دهند که از او مراقبت کنند. (Farrin, ۲۰۱۴: ۱۰۵) ریموند فرین این آیات را به صورت بسیار مختصر مطرح کرده و به نظم مقارن میان آیات یازده‌گانه سوره اشاره نمی‌کند.

۳. ۲. ۱. قسمت c (آیات ۲۲-۲۰)

این قسمت مربوط به رسیدن یوسف به مصر و سکنی گزیدن وی در آنجا است. افراد کاروان قدر وی را ندانسته و به قیمتی بسیار پایین، تنها چند درهم نقره، او را می‌فروشند. با این حال، مرد مصری که او را می‌خرد، توانایی بالقوه وی را می‌بیند و به زنش می‌گوید که در خانه خود، او را محترم خواهند شمرد و شاید یک روز او را به فرزندگی بپذیرند. یوسف در مصر بالغ شده و یک مرد رشید می‌گردد و خداوند وی را از دانش سرشار می‌کند.

ریموند فرین این قسمت را به c نامگذاری می‌نماید که مشتمل بر آیات ۲۰-۲۲ سوره یوسف می‌باشد. وی با وجود آنکه مختصری پیرامون مفاهیم این آیات بحث می‌کند، اما به ساختار مقارن این بخش اشاره‌ای نمی‌نماید. همچنین وی میان سه بخش a، b و c هیچ‌گونه ارتباط و تقارنی را نمی‌پذیرد؛ زیرا بر آن است که این بخش‌ها با بخش‌های انتهایی سوره یعنی 'b، 'a و 'c ارتباط مقارن دارند.

۳. ۲. ۱. ۴. قسمت d (آیات ۵۳-۲۳)

این قسمت شامل دو تلاش برای اغوای یوسف توسط زلیخا^۱ است. با کمک خداوند، یوسف در برابر هر دو مورد مقاومت می‌کند. در مرکز این بخش، به شکل برجسته، درخواست شوهر از یوسف برای نادیده گرفتن خیانت همسر او و درخواست همسر او برای عفو قرار دارند. نظم مقارن این قسمت بدین شرح است: (فرین، ۱۳۹۸: ۹۵)

A. ۲۳-۲۴. همسر درب‌ها را می‌بندد و یوسف را به سمت خود می‌خواند. یوسف به او میل دارد ولی شواهد خداوند خود را می‌بیند و خداوند وی را از این عمل شنیع دور می‌کند. ﴿وَرَأَوْدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ... وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَاى بُرْهَانَ رَبِّهٖ﴾

(۱) به خاطر تسهیل خواندن، از اسامی مناسب فرا قرآنی استفاده می‌شود: «پوتیفار» به جای «العزیز»، «زلیخا» به جای «امراه العزیز»، و «بنیامین» به جای برادر یوسف استفاده خواهیم کرد.

B. ۲۵-۲۷. همسر، یوسف را دنبال کرده و پیراهن او را پاره می‌کند؛ شوهر جلوی درب ایستاده است؛ همسر پیشنهاد زندان یا تنبیه سخت برای یوسف می‌کند؛ یوسف اعتراض می‌کند که همسر تلاش کرده تا او را اغوا کند؛ یکی از اعضای خانه پیشنهاد می‌دهد که مشخص کنند آیا پیراهن از جلو یا از عقب پاره شده است. ^۱ ﴿وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَالْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...﴾
 C. ۲۸-۲۹. پوتیفار می‌بیند که پیراهن از پشت پاره شده است و نتیجه می‌گیرد که این هم یکی از حيله‌های زنان است؛ پوتیفار به یوسف می‌گوید: «این حادثه را نادیده بگیرد»؛ وی به همسرش می‌گوید: «درخواست عفو کن». ﴿يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ﴾

B. ۳۰-۳۲. بانوان شهر می‌گویند که زلیخا عاشق یک برده جوان شده است؛ همسر آنها را برای ضیافت به خانه دعوت می‌کند و چاقوهایی را برای غذا خوردن در اختیار آنها می‌گذارد؛ زلیخا، یوسف را صدا می‌زند تا به آنجا بیاید؛ وی وارد می‌شود و بانوان دستان خود را می‌برند. همسر به یوسف هشدار می‌دهد که اگر او امر او را رعایت نکند، به زندان خواهد افتاد. ﴿قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونَا مِنَ الصَّاعِرِينَ﴾

A. ۳۳-۳۵. یوسف به زنان دل بسته می‌شد اگر خداوند وی را از دام‌های آنها نجات نمی‌داد؛ مردان شهر، بعد از دیدن نشانه‌ها، به زندان انداختن یوسف را عاقلانه می‌دانند. ﴿قَالَ رَبُّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾

از منظر ریمنوند فرین قسمت d مشتمل بر آیات ۳۵-۳۳ سوره یوسف می‌باشد که نمایانگر نظم متقارن است. این قسمت که مشتمل بر سیزده آیه است؛ به پنج بخش تقسیم می‌شود که به صورت معکوس میان بخش‌ها ارتباط برقرار می‌شود. بخش A و A' به تمایل یوسف به زنان؛ و بخش B و B' به زندانی شدن وی اشاره دارد. بخش C نیز که بخش مرکزی تقسیم‌بندی است، به آگاه شدن عزیز مصر (پوتیفار) از خیانت همسرش (زلیخا) اشاره دارد. این قسمت را می‌توان به صورت زیر اشاره نمود:

(۱) در رابطه با این رخداد خاص در داستان، باید توجه نمود که «قمیص» به احتمال زیاد نشان دهنده یک زیر پیراهنی متناسب یا خیاطی شده بوده است که بر روی پوست بدن پوشیده می‌شود و مرتبط با ثروت، زندگی شهری و شاید یک بدعت نسبی در مقایسه با لباس‌های عشایری اعراب بوده است. (Greifenhagen, ۲۰۰۹: ۷۹)

A. 23-24. میل یوسف به زنان و نجات الهی

B. 25-27. پیشنهاد زندانی کردن یوسف توسط زلیخا

C. 28-29. اطلاع یافتن پوتیفار از خیانت همسرش

B'. 30-32. زندانی شدن یوسف

A'. 33-35. میل یوسف به زنان و نجات الهی

۳. ۱. ۲. ۵. قسمت e (آیات ۳۶-۴۹)

در مرکز این داستان، یوسف را در زندان شهر می‌بینیم که در حال موعظه مختصر دو هم سلولی خود و تعبیر رؤیاهای آنان است. در اینجا یوسف به وضوح به عنوان یک پیامبر به نظر می‌رسد که رؤیاهایی درباره آینده را توضیح می‌دهد و مردم را به دین صحیح - که همان پرستش خدای یکتا باشد - رهنمود می‌سازد. همچنین، هنگام تعبیر رؤیای دوم، وی یک نتیجه‌گیری امیدوار کننده را اضافه می‌کند. این گردش مثبت در انتهای قسمت میانی را می‌توان نشانگر این امر دانست که داستان یوسف، در انتهای حلقه خود به شکل مشابه ممکن است یک انتهای شاد داشته باشد.

قسمت میانی این داستان شامل یک حلقه است که دارای سه عنصر می‌باشد. همچنین، آخرین عنصر دارای یک شکل متحدالمرکز است. ساختار قسمت میانی این داستان به صورت زیر است: (فرین، ۱۳۹۸: ۹۹)

A. ۳۶. دو مرد جوان به همراه یوسف وارد زندان می‌شوند؛ یکی خود را در حال حمل شراب در خواب می‌بیند، دیگری خود را در حال حمل نان بر روی سر خود می‌بیند در حالی که پرندگان در حال خوردن نان‌ها هستند؛ آن‌ها از یوسف می‌خواهند تا رؤیاهای آن‌ها را تعبیر کند.

B. ۳۷-۴۰. یوسف در ابتدا به هم سلولی‌های خود در مورد دین توضیح می‌دهد: وی راه کافران را رها کرده است و از دین نیاکان خود، یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب تبعیت می‌کند؛ سؤال از هم سلولی‌ها: «آیا خدایان متعدد از خدای یکتا و قادر مطلق، بهتر هستند؟» یوسف به آنها می‌گوید: خدا به شما دستور داده است که هیچ کس به غیر از او را نپرستید.

A. ۴۱-۴۹. یوسف رؤیاهای هم سلولی‌ها و پادشاه را تعبیر می‌کند. (این عنصر، که خودش یک حلقه است، در ادامه تشریح می‌شود.)

A. ۴۱. یوسف رؤیاهای هم سلولی‌ها را تعبیر می‌کند: یکی برای ارباب خود شراب

می‌ریزد، دیگری به صلیب کشیده می‌شود و پرنندگان مغز او را خواهند خورد.

B. ۴۲. یوسف از هم سلولی‌اش که به زودی آزاد می‌شود، می‌خواهد که نزد ارباب خود از او صحبت کند؛ شیطان یادآوری به ارباب را از یاد آن مرد می‌برد. بنابراین یوسف چندین سال در زندان می‌ماند.

C. ۴۳-۴۴. پادشاه هفت گاو چاق را در خواب می‌بیند که توسط هفت گاو لاغر خورده می‌شوند و هفت خوشه سبزه ذرت و هفت خوشه پژمرده ذرت در خواب می‌بیند؛ پادشاه از مشاورانش می‌خواهد که رؤیای او را تعبیر کنند، ولی آن‌ها نمی‌توانند.

B. ۴۵. زندانی که آزاد شده بود، یوسف را به یاد می‌آورد و می‌گوید که او تعبیر خواب را بیان می‌کند؛ وی می‌خواهد برای این هدف به زندان فرستاده شود.

A. ۴۶-۴۹. زندانی سابق، خواب پادشاه را برای یوسف تعریف می‌کند و از او می‌خواهد که آن را تعبیر کند؛ یوسف خواب پادشاه را تعبیر می‌کند: هفت سال پر محصول خواهد آمد که طی این سال‌ها مردم باید اندکی از محصول را برای مصرف در نظر گرفته و مابقی را ذخیره کنند و بعد از این هفت سال، هفت سال سخت خواهد آمد که طی آن‌ها مردم باید از ذخایر خود مصرف کنند، به غیر از اینکه اندکی را باقی بگذارند؛ یوسف اضافه می‌کند که بعد از آن، یک سال پر باران خواهد آمد که طی آن مردم می‌توانند آب انگور بگیرند.

از منظر ریچارد فرین قسمت e در مرکز سوره بقره قرار دارد و مشتمل بر آیات ۴۹-۳۶ سوره یوسف است. این قسمت به سه بخش A، B و A' تقسیم می‌شود که قسمت‌های طرفینی به تعبیر خواب یوسف اشاره دارد و تقارن میان ابتدا و انتهای این قسمت را نشان می‌دهد. قسمت A' نیز به پنج بخش کوچک‌تر تقسیم می‌شود که به صورت متجدال‌مرکز، ارتباط معکوس میان آنها برقرار است. دو موضوع تعبیر خواب زندانیان با تعبیر خواب پادشاه؛ و دو موضوع فراموش کردن یوسف و به یاد آوردن وی توسط زندانی آزاد شده؛ موضوعات متقارن این بخش را شامل می‌شود که بدین گونه است:

A. 36. هم سلولی‌ها؛ درخواست تعبیر خواب

B. 37-40. خطبه توحیدی

A'. 41-49. یوسف؛ تعبیر خواب هم سلولی‌ها <-----

B. 42. هم سلولی آزاد شده؛ فراموش کردن یوسف

C. 43-44. خواب دیدن پادشاه

B'. 45. هم سلولی آزاد شده؛ به یاد آوردن یوسف

A'. 46-49. یوسف؛ تعبیر خواب پادشاه

۳. ۱. ۲. ۶. قسمت 'd'. (آیات ۵۰-۵۳)

نیمه دوم این داستان تا حد زیادی تحت تأثیر موضوع عفو است. یوسف را از زندان فرا می‌خوانند، ولی او نمی‌خواهد در برابر پادشاه حاضر شود تا زمانی که اتهام او پاک شود. وی در مورد زنانی می‌پرسد که دستان خود را بریدند. پادشاه آنان را فرا می‌خواند و آنها اذعان می‌کنند که از وی هیچ بدی ندیده‌اند. زلیخا می‌پذیرد که در تلاش اغوای یوسف بوده است و یوسف تقصیری نداشته و بی‌گناه است. یوسف این را می‌گوید تا پوتیفار بداند که وی در غیبت او به او خیانت نکرده است؛ وی ادعا نمی‌کند که بی‌گناه است، ولی می‌گوید که روح، عادت به پذیرش شیطان دارد. وی شهادت خود را با گفتن این کلام به پایان می‌برد که خداوند بخشنده‌ترین و آمرزنده‌ترین است. (ما این موضوع را دوباره در قسمت 'B' مورد تأکید می‌بینیم).^۱

ریموند فرین این قسمت را به 'd' نام‌گذاری می‌نماید که مشتمل بر آیات ۵۰-۵۳ سوره یوسف می‌باشد. وی با وجود آنکه مختصری پیرامون مفاهیم این آیات بحث می‌کند و از نظر ساختاری این قسمت را شروع نیمه دوم داستان یوسف می‌پندارد، اما به ساختار متقارن این بخش اشاره‌ای نمی‌نماید.

۳. ۱. ۲. ۷. قسمت 'c'. (آیات ۵۴-۵۷)

در قسمت 'c'، پادشاه، یوسف را فرامی‌خواند و اعلام می‌کند که مایل است یوسف به خود او خدمت کند، زیرا قابل اعتماد بودن او اکنون اثبات شده است. یوسف تقاضا می‌کند که نگهبان خزانة‌های آن سرزمین شود تا به درستی آنها را مدیریت کند. به این طریق، آن‌طور که متن تأیید می‌کند، خداوند یوسف را به عنوان عزیز مصر و فردی دارای قدرت در آن سرزمین قرار می‌دهد.

ریموند فرین این قسمت را به 'c' نام‌گذاری می‌نماید که مشتمل بر آیات ۵۴-۵۷ سوره یوسف می‌باشد. وی با وجود آنکه مفاهیم و معانی این آیات را مطرح می‌سازد، اما به ساختار متقارن این بخش اشاره‌ای نمی‌نماید که نشان دهنده عدم تقارن میان آیات ۵۴-۵۷ سوره یوسف از منظر ریموند فرین می‌باشد.

۱) بسیاری از مفسران بیان می‌کنند که در آیات ۵۲-۵۳ یوسف در حال صحبت کردن است که بر این اساس درک می‌کنند که یوسف در حال اشاره به شهادت زلیخا در بی‌گناهی یوسف بوده است تا پوتیفار از وفاداری یوسف اطمینان حاصل کند، که هیچ‌گاه از غیبت او سوء استفاده نکرده است و به زن او نظری نداشته است. (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۲۶۷/۱۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۴۱/۱۲) ولی دیگران (ابن کثیر، ۱۴۰۰: ۳۷۹/۳؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۱۹۷۳/۴؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۵۷/۵) این آیات را کلام زلیخا می‌دانند و ساختار ریموند فرین نیز از تفسیر آنها پشتیبانی می‌کند. به صورتی که در مرکز بخش، پوتیفار از او می‌خواهد که درخواست عفو کند و در اینجا نیز در واقع زلیخا در حال طلب عفو است.

در خصوص پیراهن یوسف به عنوان مجاز مرسل برای یوسف و پیشرفت وی به عنوان یک آشکارکننده حقیقت (در ابتدا خونی شد، سپس پاره شد، سپس کامل و خوشبو شد) (Greifenhagen، ۲۰۰۹: ۸۳).

۳. ۱. ۲. ۸. قسمت b'. (آیات ۵۸-۹۸)

این قسمت شامل سه عنصر متحدالمركز است. هر عنصر حول رخداد بازگشت کاروان سازماندهی شده است، اولین حلقه به پنهان کردن کالاهای معامله شده برادران در خورجین‌های آنان می‌پردازد. حلقه دوم به قرار دادن جام نوشیدنی پادشاه در خورجین یکی از برادران اشاره می‌کند و حلقه سوم، درباره پس فرستادن پیراهن یوسف به کنعان است.^۱ این عناصر دارای تقارن هستند؛ افزون بر وجود یک ابزار یا حلقه در آنها، یک ساختار مشابه هم مشاهده می‌شود. هر عنصر با رسیدن برادران به حضور یوسف آغاز می‌شود؛ بر بازگشت کاروان که همراه با اتفاقات غیرمنتظرانه است - تمرکز می‌کند و با انجام یک عمل توسط یعقوب، پایان می‌پذیرد که پس فرستادن برادران به مصر (دو بار) یا رفتن با کل خانواده (در انتها) است. به شکل مشابه، تناظرهای متعددی بین این قسمت به عنوان یک کل و قسمت قبلی B وجود دارد که می‌توان به موضوعاتی از قبیل مسافرت به مصر، پنهان کردن در بار کاروان، تلاش برای فریب دادن یعقوب و همچنین موضوع خیانت به یوسف اشاره نمود.

در رابطه با موضوعات در این بخش، به صورت خاص متوجه تأکید بر عفو می‌شویم. به یاد داریم که یوسف دو بار توسط زلیخا مورد خیانت قرار گرفت؛ هنگامی که وی را مقصر تلاش برای اغوای خود دانست و زمانی که در برابر بانوان شهر به او دستور داد که در برابر امیال او تسلیم شود. با این حال زلیخا در ادامه، اشتباه خود را می‌پذیرد و از خداوند طلب عفو می‌کند. موضوع عفو دو بار در قسمت 'b' تکرار می‌شود. در قسمت b، برادران سعی کردند در رابطه با گم شدن یوسف، یعقوب را فریب بدهند؛ در اینجا آنها غیبت برادر دیگر (بنیامین) را ناشی از دزدی کردن این برادر در مصر می‌دانند، با این حال در انتهای این قسمت، یعقوب می‌گوید که وی برای آنها از خدا طلب عفو می‌کند. به یاد داریم که یوسف به شکلی ظالمانه مورد خیانت برادران خود قرار گرفت زمانی که وی را به چاه انداختند؛ در مرکز این بخش، بعد از آن که جام نوشیدنی پادشاه کشف شده است، یوسف دوباره توسط برادرانش مورد خیانت قرار می‌گیرد زمانی که در پیشگاه او به یاد می‌آورند که زمانی برادری داشتند که دزدی می‌کرد. (درحالی که نمی‌دانستند در حال صحبت با چه کسی هستند!) با این حال، بعد از آن که خطای خود را در برابر او می‌پذیرند، یوسف می‌گوید که آن روز هیچ سرزنشی بر آنها نیست و از خداوند برای آنها طلب عفو می‌کند.

ریچوند فرین در مقام کاربست محتوای سوره یوسف برای پیامبر اکرم (ص) بر آن است که «حضرت محمد (ص) در یک موقعیت بسیار مهم، این پیام - که عفو خطاکاران است - را به قلب خود سپرده است. به نقل از ابن عباس گفته شده است که در سال هشتم هجری

۱) در خصوص پیراهن یوسف به عنوان مجاز مرسل برای یوسف و پیشرفت وی به عنوان یک آشکارکننده حقیقت (در ابتدا خونی شد، سپس پاره شد، سپس کامل و خوشبو شد) (Greifenhagen, ۲۰۰۹: ۸۳)

زمانی که مکه در حال فتح به دست مسلمانان بود- عمر بن خطاب گفت که انتقام سختی در انتظار مردمان شهر است. با این حال، پیامبر (ص)، رثوف بود و از آیه ۹۲ برای آنها تلاوت نمود ﴿لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ بِعَفْرِ اللَّهِ لَكُمْ﴾ (قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۶۹/۵) پیامبر اکرم (ص) به جای مجازات کردن اهالی مکه، آنها را با آغوش باز به اسلام پذیرفت. «(Farrin, ۲۰۱۴: ۱۱۵) در داستان یوسف آیات ۹۸-۵۸ دارای سه عنصر متحدالمرکز است که می‌توان قسمت 'b' را به شکل زیر خلاصه نمود:

الف) الگوی متحدالمرکز اول: آیات ۶۸-۵۸

A. ۵۸-۶۱. برادران به محضر یوسف وارد می‌شوند در حالی که وی آنها را می‌شناسد؛ وی به آنها دستور می‌دهد که به همراه برادر خود بازگردند؛ زیرا یوسف بهترین میزبانان است؛ اگر دعوت او را رد کنند، او به آنها ذرت نخواهد داد و به آنها اجازه نخواهد داد که دوباره به آنجا بیایند؛ برادران قول می‌دهند که سعی می‌کنند تا پدر خود را راضی کنند.

B. ۶۲. یوسف به خدمتکاران خود دستور می‌دهد که کالاهای معامله شده برادران را در خورجین‌های آنها پنهان کنند تا هنگامی که به خانه بازگشتند متوجه آنها شوند و شاید بازگردند.

A. ۶۳-۶۸. برادران سعی می‌کنند که پدر را قانع کنند که برادر را با آنها بفرستد؛ پدر تمایلی به این کار ندارد؛ برادران خورجین‌ها را باز کرده و کالاهای بازگردانده شده را کشف می‌کنند؛ آنها عنوان می‌کنند که از برادر خود مراقبت خواهند کرد و با وجود او یک بار شتر دیگر نیز بهره‌مند می‌شوند؛ پدر به آنها می‌گوید که تنها در صورتی برادر را با آنها خواهد فرستاد که سوگند بخورند که او را باز می‌گردانند، مگر اینکه محاصره شوند و نتوانند این کار را بکنند؛ آنها قسم می‌خورند؛ یعقوب به آنها می‌گوید که برای احتیاط از دروازه‌های مختلف وارد شهر شوند و آنها همین کار را می‌کنند.

الف) الگوی متحدالمرکز دوم: آیات ۸۷-۶۹

A. ۶۹. برادران بدون آگاهی به حضور یوسف وارد می‌شوند؛ یوسف برادر را نزد خود جای می‌دهد و هویت خود را برای او آشکار می‌کند و می‌گوید از آنچه دیگر برادران انجام داده‌اند، غمگین نباشد.

B. ۷۰-۷۵. یوسف، برادرانش را به خواروبار مجهز می‌کند و جام نوشیدنی پادشاه را در خورجین برادرش قرار می‌دهد؛ مردی به سمت کاروان فریاد می‌زند که برادران دزد هستند، زیرا جام نوشیدنی پادشاه گم شده است؛ برادران دزدیدن جام را انکار می‌کنند؛ مردان از آنها می‌پرسند که اگر دروغ برادران اثبات شود، مجازات آنها چه خواهد بود و برادران می‌گویند که اگر جام نوشیدنی در خورجین کسی پیدا شد، وی را زندانی کنید.

C. ۷۶-۷۹. یوسف خورجین‌های برادران را می‌گردد و جام نوشیدنی را از خورجین برادر تازه وارد شده، پیدا می‌کند؛ برادران می‌گویند که اگر او دزدی کرده پیش از این هم برادرش دزدی کرده؛ یوسف رازهای خود را مخفی نگه می‌دارد؛ برادران می‌گویند که پدرشان پیر است و از یوسف می‌خواهند که به جای برادرشان یکی از آنها را بازداشت کند؛ یوسف پاسخ می‌دهد که فقط کسی را بازداشت می‌کند که مال در خورجین او یافت شده است.

B. ۸۰-۸۲. برادر بزرگتر، عهد با پدر و وظیفه مراقبت از یوسف و بنیامین را به دیگران یادآوری می‌کند؛ برادر بزرگتر می‌گوید که وی در مصر می‌ماند تا زمانی که پدر به او اجازه دهد بازگردد یا تا زمانی که خدا برای او تصمیم بگیرد؛ وی به دیگران می‌گوید که به پدر بگویند که پسر دیگر او دزدی کرده است و آنها نتوانسته‌اند در مقابل اتفاقات غیرمترقبه مقاومت کنند و اگر پدر سخن پسرانش را نمی‌پذیرد باید از افراد شهر -که دزدی در آن اعلام شد- و کسانی که در کاروان هستند پرسد که آیا آنها راست می‌گویند یا خیر.

A. ۸۳-۸۷. پدر حرف آنها را باور نمی‌کند و می‌گوید که صبر برای او بهتر است؛ چشمانش از غم سفید می‌شوند؛ برادران می‌گویند که وی هیچ‌گاه یوسف را فراموش نمی‌کند؛ یعقوب می‌گوید که وی چیزی از خدا می‌داند که آنها نمی‌دانند؛ پدر به آنها می‌گوید که بروند و در مورد یوسف و برادرش پرس و جو کنند و از رحمت خدا ناامید نشوند.

ج) الگوی متحدالمركز سوم: آیات ۹۸-۸۸

A. ۸۸-۹۲. برادران با اموالی اندک به محضر یوسف (ع) وارد می‌شوند؛ آنها از شوربختی ناله کرده و درخواست صدقه می‌کنند؛ وی از آنها می‌پرسد که آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید؟ آنها با شگفتی می‌پرسند آیا تو واقعا همان یوسف هستی؟ و او تصدیق می‌کند؛ وی می‌گوید که خداوند همواره پاداش کسانی را که کار نیک انجام می‌دهند، از او می‌ترسند و صبور هستند، اعطا می‌کند؛ آنها تصدیق می‌کنند که خداوند او را بر آنها برتری داده است و گناه خود را می‌پذیرند؛ یوسف به آنها می‌گوید که امروز بر شما سرزنشی نیست؛ وی از خداوند برای آنها طلب عفو می‌کند و تأکید می‌کند که خداوند مهربان‌ترین مهربانان است.

B. ۹۳. یوسف به برادران می‌گوید که به خانه برگردند و پیراهن او را بر روی صورت پدر قرار دهند تا وی بینایی خود را بازیابد و سپس به همراه کل خانواده به نزد او بازگردند.

A. ۹۴-۹۸. هنگامی که کاروان از مصر خارج می‌شود، یعقوب (ع) بوی یوسف را از دور استشمام می‌کند، اما مردم او را دیوانه می‌دانند؛ وقتی کاروان می‌رسد، پیراهن بر روی صورت او قرار داده می‌شود و بینایی وی بازمی‌گردد؛ یعقوب گفته خود را به فرزندانش یادآوری می‌کند که از خدا چیزی می‌دانست که آنها نمی‌دانستند؛ برادران خطای خود را

می‌پذیرند و از پدر تقاضا می‌کنند که از خداوند برایشان طلب عفو کند؛ پدر پاسخ می‌دهد که این کار را خواهد کرد.

از منظر ریموند فرین قسمت 'b' بزرگ‌ترین قسمت سوره یوسف است که مشتمل بر آیات ۵۸-۹۸ می‌باشد. از دیدگاه وی این قسمت شامل سه الگوی متحدالمركز است که الگوی متحدالمركز اول شامل ۶۸-۵۸؛ الگوی متحدالمركز دوم شامل آیات ۸۷-۶۹؛ و الگوی متحدالمركز سوم مشتمل بر آیات ۹۸-۸۸ سوره یوسف می‌باشد. الگوی اول به سه بخش تقسیم می‌شود که دو بخش طرفینی آن یعنی A و A' ارتباط متقارن دارند؛ زیرا به دو موضوع وعده آوردن بنیامین توسط برادران یوسف و قانع کردن حضرت یعقوب (ع) در فرستادن بنیامین اشاره دارد. الگوی دوم به پنج بخش تقسیم می‌شود که دو موضوع آوردن بنیامین به مصر توسط برادران با رفتن به مصر برای پیدا کردن بنیامین؛ و دو موضوع پیدا شدن جام در خورجین بنیامین با انکار سرقت بنیامین ارتباط معکوس برقرار است. الگوی سوم نیز به سه بخش تقسیم می‌شود که میان قسمت ابتدایی و انتهایی یعنی A و A' تقارن برقرار است. بخش A به عذرخواهی برادران از یوسف و دعای یوسف در حق آنها و بخش A' به عذرخواهی برادران از یعقوب و دعای یعقوب در حق آنها اشاره دارد. این سه الگوی متحدالمركز که به موضوع بازگشت کاروانیان در مرکز آنها قرار گرفته بدین شکل است:



۳. ۱. ۲. ۹. قسمت a. (آیات ۹۹-۱۰۱)

قسمت a، داستان یوسف را به پایان می‌برد. در قسمت انتهایی این داستان، یوسف خانواده خود را در کنار خود قرار می‌دهد و ورود آنها را به مصر خوش آمد می‌گوید. وی والدین خود را بر روی تخت می‌نشاند و سپس آنها و برادرانش را مشاهده می‌کند که در برابر او سجده می‌کنند. به پدرش می‌گوید که این، تعبیر خواب اوست که خداوند آن را به واقعیت بدل کرده است. وی در ادامه بیان می‌کند که خداوند تا چه حد با او مهربان بوده است: ﴿إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي﴾ (یوسف/۱۰۰) داستان با ستایش خداوند توسط یوسف پایان می‌یابد، یادآوری می‌کند که خداوند به او قدرت تعبیر خواب داده است، وی را به عنوان خالق و محافظ می‌ستاید و از خداوند می‌خواهد که او را مسلمان -یعنی کسی که در برابر خدا تسلیم است- بمیراند و وی را به صالحان ملحق سازد. ﴿تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ (یوسف/۱۰۱)

ریمنوند فرین این قسمت را به a نام‌گذاری می‌نماید که مشتمل بر آیات ۹۹-۱۰۱ سوره یوسف می‌باشد. وی با وجود آنکه مفاهیم و معانی این آیات را به اختصار مطرح می‌سازد، اما به ساختار متقارن این بخش اشاره‌ای نمی‌نماید که نشان دهنده عدم تقارن میان آیات ۹۹-۱۰۱ سوره یوسف از منظر ریمنوند فرین می‌باشد.

۳، ۱، ۳. قسمت A. کلام آخر (آیات ۱۱۱-۱۰۲)

بخش انتهایی یا سخن پایانی، داستان یوسف را در چارچوبی مشخص قرار می‌دهد. قرآن تأکید می‌کند که این داستان یکی از داستان‌هایی است که خداوند برای پیامبر خود آشکار می‌کند به مانند داستان‌هایی که برای پیامبران پیشین آشکار نموده بود. با این حال، آن‌طور که این بخش بیان می‌کند اغلب مردم ایمان نمی‌آورند. در مرکز، پرسش‌های انکاری در خصوص نادیده گرفتن آیات خدا در آسمان و زمین و در خصوص مجازات‌هایی خداوند برای کسانی که این آیات را نادیده می‌گیرند و همچنین دستور به پیامبر برای فراخواندن مردم به خدای یکتا قرار دارد. (فرین، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

A. آیات ۱۰۴-۱۰۲: پیام به پیامبر: این (ماجرا) از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم؛ و بیشتر مردم هر چند آرزومند باشی ایمان نمی‌آورند؛ و تو بر این (کار) پاداشی از آنان نمی‌خواهی؛ آن (قرآن) جز پندی برای جهانیان نیست.

B. آیات ۱۰۵-۱۰۸: جمله انکاری: و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین است که بر آنها می‌گذرند درحالی که از آنها روی برمی‌گردانند! بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند جز این که با او چیزی را شریک می‌گیرند؛ استفهام انکاری: آیا ایمن هستند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان برسد؟ پیام به پیامبر: بگو من با بصیرت مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنم -من و هر کس پیروی‌ام کرد این کار را انجام می‌دهیم- و من از مشرکان نیستم.

A. آیات ۱۰۹-۱۱۱: پیام به پیامبر: پیش از تو مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم فرستادیم، مردانی که از اهالی شهر برگزیده شده بودند؛ آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟ قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکاری کرده‌اند بهتر است؛ هنگامی که فرستادگان ناامید شدند و (مردم) پنداشتند که به آنان واقعا دروغ گفته شده، یاری ما به آنان رسید؛ پس کسانی را که می‌خواستیم نجات یافتند ولی عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد؛ به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است، سخنی نیست که به دروغ ساخته باشد؛ بلکه تصدیق کتاب‌های گذشته بوده؛ روشنگر هر چیزی است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.

از دیدگاه ریموند فرین قسمت A، به موضوع کلام آخر یا نتیجه‌گیری سوره یوسف اشاره دارد که مشتمل بر آیات آیات ۱۱۱-۱۰۲ است. این قسمت دارای سه بخش است که میان بخش‌های طرفینی یعنی A و A، نظم متقارن می‌باشد؛ زیرا هر دو بخش حاوی پیامی به پیامبر اکرم (ص) است.

در اینجا، یک نمودار ساده شده برای ساختار کل سوره یوسف از دیدگاه ریموند فرین آورده شده است:

پیش گفتار A

B داستان یوسف

a رویا

b حقه برداران؛ چاه؛ سفر به مصر

c ساکن شدن یوسف در خانه مرد مصری

d تلاش‌ها برای اغوای یوسف

e خواب‌های زندانیان؛ موعظه یوسف؛ رویای پادشاه

d' پذیرش گناه؛ بخشش

c' مقام گرفتن یوسف در آن سرزمین

b' حقه‌های یوسف؛ جام نوشیدنی؛ سفر به مصر

a' به واقعت رسیدن رویا

A' کلام آخر

با نگاه به این سوره، متوجه ارتباطات شفاف بین ابتدا، وسط و انتها می‌شویم؛ بدین نحو که بخش A که مقدمه سوره یوسف است با بخش A' که نتیجه‌گیری می‌باشد، ارتباط دارد. همچنین بخش a که به خواب حضرت یوسف (ع) پیرامون سجده ماه، خورشید و یازده

ستاره اشاره دارد با بخش 'a' که به سجده پدر، مادر و یازده برادرش می‌پردازد، ارتباط دارد؛ زیرا خوابی که او در ابتدا دیده است در انتهای سوره تعبیر می‌شود. همچنین بخش 'b' که به موضوعات نیرنگ برادران در جدایی یوسف از یعقوب؛ افکندن یوسف در چاه و سفر او به مصر اشاره دارد با بخش 'b' که به موضوعات نیرنگ یوسف برای جدایی بنیامین از یعقوب و سفر کنعانیان به مصر ارتباط متقارن دارد. بخش 'c' نیز که به موضوع ساکن شدن یوسف در خانه عزیز مصر اشاره دارد با بخش 'c' که مقام گرفتن یوسف در سرزمین مصر است ارتباط متقارن دارد. همچنین بخش 'd' که به تلاش زلیخا و زنان مصر برای اغوای یوسف اشاره دارد با بخش 'd' که اعتراف زلیخا و زنان مصر در بی‌گناهی یوسف است؛ مرتبط می‌باشد. بخش 'e' که به عنوان مرکز ساختار سوره یوسف مطرح می‌شود به موضوعات خواب زندانیان، موعظه توحیدی حضرت یوسف (ع) و خواب پادشاه معطوف می‌باشد که پیام جهانی بیان شده توسط یوسف در موعظه خود - که تنها یک خدا وجود دارد که خدای یوسف و خدای نیاکان وی ابراهیم، اسحاق و یعقوب است در حالی که خدایان خیالی مورد پرستش توسط هم سلولی‌ها تنها نام و اسم هستند - دقیقاً در مرکز آورده شده است. (Farrin, 2014: 105)

۲.۳. بررسی دیدگاه ریمنوند فرین

ریمنوند فرین با تقسیم‌بندی سوره به یازده قسمت و ارتباط معکوس میان قسمت‌های گوناگون، به انسجام سوره یوسف اشاره می‌کند و نشان می‌دهد بر خلاف اجماع مستشرقان، سوره یوسف به شدت منسجم بوده و دارای نظمی پیچیده می‌باشد که این یکی از زیبایی‌های کار ایشان است.

از منظر ریمنوند فرین میان دو بخش 'A' و 'A' به جهت بیان مقدمه و نتیجه‌گیری داستان، ارتباط وجود دارد. همچنین میان دو بخش 'a' و 'a' به جهت بیان خواب یوسف و تعبیر خواب وی ارتباط متقارن است. میان دو بخش 'b' و 'b' نیز به جهت نیرنگ برادران در حق یوسف برای فراق وی از یعقوب با نیرنگ یوسف در حق برادران - با قرار دادن جام در خورجین بنیامین - برای وصال وی با یعقوب ارتباط معکوس برقرار می‌باشد. همچنین میان دو بخش 'c' و 'c' به جهت سکونت یوسف در خانه مرد مصری و به مقام رسیدن یوسف در مصر ارتباط متقارن وجود دارد. همچنین دو بخش 'd' و 'd' که به تلاش زنان مصر برای اغوای یوسف و سپس پذیرش خطا و طلب بخشش از یوسف اشاره دارد؛ نظمی متقارن را شکل می‌دهد. بخش 'e' به عنوان مرکز به سه موضوع خواب زندانیان، خطبه توحیدی یوسف و خواب پادشاه اشاره می‌کند.

از جمله ویژگی‌های پژوهش ریمنوند فرین که مزیتی نسبت به پژوهش‌های سابق است؛ ارتباط محتوای سوره با شرایط زندگی پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. وی با قرار دادن مضمون سوره در تاریخ نزول، به ارتباط شرایط زندگی حضرت یوسف با حضرت محمد (ص)

پرداخته و نتیجه می‌گیرد همان‌طور که حضرت یوسف از کنعان به مصر منتقل شد؛ این سوره نیز به صورت ضمنی به هجرت پیامبر(ص) از مکه به یثرب اشاره دارد که خود از زیبایی‌های پژوهش ایشان می‌باشد. (فرین، ۱۳۹۸: ۱۰۳)

اما در نقد دیدگاه ریموند فرین باید به نکات ذیل اشاره نمود.

۱. ریموند فرین به مبنای تقسیم‌بندی آیات اشاره نمی‌کند که بهتر بود پیش از تقسیم‌بندی آیات، ابتدا به مبانی تقسیم‌بندی آیات اشاره می‌نمود تا در معرض اتهام برخی از منتقدان نظم متقارن همچون نیکولای سینای در ضعیف بودن، خود اختیاری بودن و غیرعقلانی بودن تقسیم‌بندی آیات، قرار نمی‌گرفت. (Sinai, ۲۰۱۷: ۱۱۰)

۲. ریموند فرین در تبیین آیه ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ (یوسف/۵۳) می‌نویسد: «روح، عادت به پذیرش شیطان دارد.» (Farrin, ۲۰۱۴: ۹۸) در نقد این کلام باید متذکر شویم که در فرهنگ قرآن، روح و نفس متفاوت است. روح همیشه مثبت بوده و رفتار بد به آن نسبت داده نشده، اما نفس هم دارای بعد مثبت و هم دارای بعد منفی می‌باشد همان‌طور که فرمود: ﴿فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس / ۸) لذا اگر بعد مثبت او تقویت شد به مقام اطمینان می‌رسد ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ﴾ (فجر / ۲۷) و اگر بعد منفی او تقویت شود به بدی دستور می‌دهد. ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ (یوسف / ۵۳)

۳. ریموند فرین بر تشابه عفو پیامبر اکرم(ص) و حضرت یوسف(ع) اشاره می‌کند که یوسف برادران خود و پیامبر اکرم(ص) نیز اهالی مکه را بخشید و آنها را با آغوش باز به اسلام پذیرفت (Farrin, ۲۰۱۴: ۱۰۸) اما این موضوع را به عنوان برتری و فضیلت حضرت رسول(ص) بر حضرت یوسف(ع) ذکر نمی‌کند؛ زیرا یوسف صرفاً برادرانش را بخشید، ولی نبی اکرم(ص) یک شهر را عفو کرد.

۴. ریموند فرین در قسمت خواب پادشاه، بیان می‌کند: «(پادشاه) هفت خوشه سبز ذرت و هفت خوشه پژمرده ذرت در خواب می‌بیند» (Farrin, ۲۰۱۴: ۹۸) در نقد این مطلب باید متذکر شویم که اولاً قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلْنَ سَبْعَ عِجَافٍ وَ سَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ﴾ (یوسف/۴۶) و سخنی از ذرت به میان نمی‌آورد و ثانیاً مفسران به ذرت اشاره ننموده و همان معنای هفت خوشه گرفته‌اند. (ثعلبی، ۱۹۹۵: ۱۴۲۲؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۲/۱۶۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۱/۷۴؛ سید قطب، ۱۹۷۳/۴: ۱۴۲۵)

۵. ریموند فرین در قسمت 'b' می‌نویسد: «برادران یوسف می‌گویند که اگر جام نوشیدنی در خورجین کسی پیدا شد، وی را زندانی کنید.» (Farrin, ۲۰۱۴: ۱۳۸) این درحالی است که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قَالُوا جَزَاءُ مَنْ وَجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾ (یوسف/۷۵) همان‌طور که از الفاظ قرآن برمی‌آید برداران نمی‌گویند که جام در خورجین

هر کس باشد او زندانی گردد؛ بلکه می‌گویند: «فَهُوَ جَزَاؤُهُ» یعنی دزد، به عنوان برده پادشاه می‌شود نه آنکه دزد را در زندان کنند.

۶. ریمنوند فرین می‌نویسد: «زلیخا درب‌ها را می‌بندد و یوسف را به سمت خود می‌خواند. یوسف به او میل دارد ولی شواهد خداوند خود را می‌بیند و خداوند وی را از این عمل شنیع دور می‌کند». (Farrin, ۲۰۱۴: ۱۰۵) در نقد این مطلب که یوسف (ع) به زلیخا تمایل داشته، باید متذکر شویم که برخی از تفاسیر با این دیدگاه مخالف هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۳۹/۱۸؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۱۹۷۳/۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۱/۱۷۲) و برخی این موضوع را با عصمت یوسف (ع) ناسازگار می‌دانند همان‌طور که در تفسیر نورالثقلین می‌خوانیم: «عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ وَعِنْدَهُ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَيْسَ مِنْ قَوْلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ مَعْصُومُونَ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: فَمَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَىٰ أَنْ قَالَ: فَأَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ» فَقَالَ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ لَهَمَّ بِهَا كَمَا هَمَّتْ بِهِ لَكِنَّهُ كَانَ مَعْصُومًا وَ الْمَعْصُومُ لَا يَهْمُ بِذَنْبٍ وَ لَا يَأْتِيهِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: هَمَّتْ بِأَنْ تَفْعَلَ وَ هَمَّ بِأَنْ لَا يَفْعَلَ» (حویزی، ۱۴۱۵: ۱۹۷/۲) معصوم انگاری یوسف توسط حضرت رضا (ع) در تضاد با این جمله ریمنوند فرین است که می‌نویسد: «با وجود اینکه یوسف هم انسان و قادر به خطا است، اما با دیدن شواهد الهی دست از گناه کشید» (فرین، ۱۳۹۸: ۱۲۲)

۷. از جمله نقدهایی که بر ساختار مطرح شده ریمنوند فرین وارد است؛ عدم ذکر تقارن میان آیات بخش‌های A و a و b و c و d و 'c و 'a و 'A می‌باشد. توضیح آنکه ریمنوند فرین به تقارن میان A و A می‌پردازد، اما در اثبات انسجام آیات درونی بخش A و آیات درونی بخش A ناتوان است.

۸. در ساختار ریمنوند فرین بخش e به عنوان مرکز ساختار سوره یوسف به سه موضوع خواب زندانیان، خطبه توحیدی یوسف و خواب پادشاه اشاره می‌کند که با توجه به آنکه میان خواب زندانیان و خواب پادشاه تقارن وجود دارد، ریمنوند فرین باید این دو بخش قسمت e را به عنوان دو قسمت مجزا-e و 'e- مطرح می‌کرد و خطبه توحیدی را در مرکز سوره با عنوان f مطرح می‌ساخت تا هم تقارن این دو بخش بهتر شناخته می‌شد و هم ساختار سوره یوسف با جزئیات بیشتر عرضه می‌شد.

نتیجه‌گیری

خوانش متن قرآن اگر در یک خوانش سطحی و خطی باشد، ممکن است تا حدودی گسسته به نظر بیاید، اما اگر این خوانش عمیق باشد؛ خواهیم دید که انسجام قرآن حاصل ساختاری سخت پیچیده است که نظم متقارن عهده‌دار تبیین این نظم می‌باشد. در پژوهش حاضر با تبیین ساختار سوره یوسف از دیدگاه ریمنوند فرین، سعی شد ارزش مرکز ساختار

و طرفین آن نشان داده شود. از جمله نقدهایی که بر کار وی وارد شد؛ می‌توان به عدم ذکر مبانی تقسیم‌بندی و ارائه تفاسیر اشتباه از سوره یوسف همچون منفی‌انگاری روح، تمایل یوسف به زلیخا و زندانی کردن سارق جام پادشاه اشاره کرد. آنچه که ریموند فرین در مقام تبیین آن برآمد؛ اثبات یک ساختار منسجم در قالب نظریه نظم متقارن می‌باشد که این ساختار هرچند نزد مفسران و پژوهشگران علوم قرآنی نامانوس است، اما روشمند می‌باشد و از رهگذر آن توانستیم انسجام ساختاری سوره یوسف را اثبات نماییم. با توجه به آنکه سایر محققان و مستشرقان پیرامون انسجام ساختاری قرآن کریم پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند؛ پیشنهاد می‌گردد علاقمندان به تحقیقات نظم متقارن به واکاوی آن بپردازند.



کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۲ق): «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دار المعرفه.
- ابوحیان اندلسی، محمدبن یوسف (۱۴۲۰ق): «البحر المحیط فی التفسیر»، بیروت: دارالفکر.
- آنتیلا، یاکو همین (۱۳۹۸ش): «کسروی و ترجمه‌های عربی خدای نامه»، غضنفری، کلثوم، کارنامه تاریخ، شماره ۱۲، ۴۴-۷۸.
- ثعلبی، احمدبن محمد (۱۴۲۲ق): «الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی» بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق): «تفسیر نور الثقلین»، قم: اسماعیلیان.
- رابینسون، نیل (۱۳۹۱ش): «دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده»، شاکر، محمدکاظم، عسگری، انسیه، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۹، ۱۹۰-۱۵۶.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۲ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: جامعه مدرسین.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار المعرفه.
- فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرین، ریچارد (۱۳۹۸ش): «رابطه ساختار و تفسیر در قرآن (مطالعه‌ای بر تقارن و انسجام در متن مقدس اسلام)»، مترجم: سمیه محمدیان، تهران: ارشدان.
- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق): «من وحی القرآن»، بیروت: دارالملاک.
- قرطبی، محمدبن احمد (۱۴۰۵ق): «الجامع لاحکام القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دار الشروق.
- مکوند، محمود؛ شاکر، محمدکاظم (۱۳۹۴ش) «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن (با تاکید بر دیدگاه میشل کویپرس)»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۶، ۲۳-۵۶.
- میر، مستنصر (۱۳۸۸ش): «فنون و صنایع ادبی در قرآن»، حرّی، ابوالفضل، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۹، ۱۵۴-۱۷۹.
- مینت. پوزیه (۲۰۰۴م): «طریقه التحلیل البلاغی و التفسیر: تحلیلات نصوص من الكتاب المقدس و من الحدیث النبوی الشریف»، بیروت: دار المشرق.
- Abdel Haleem, Mohammad (2005): "Understanding the Qur'an: Themes and Style", MIDEO, vol 15, 139-155.
- Anttila, Jaakko Hämeen (1991): "We Will Tell You the Best of Stories", Stor, vol 67, 7-32.
- Anwar Qureshi; Jawad (2017): "Ring Composition in Surat Yusuf (Q. 12)", JIQA, vol 2, 149.173-
- Cuypers, Michel, (1995): "Structures rhétoriques dans le Coran: Une analyse structurale de la sourate 'Joseph' et de quelques sourates brèves", MIDEO, vol 22, 107-195.
- ----- (2009): "The Banquet: A Reading of the Fifth Sura of the Qur'an, Miami: Convivium".
- ----- (2011): "Semitic Rhetoric as a Key to the Question of the nazm of the Qur'anic Text". Journal of Qur'anic Studies, vol 13, 1-24
- ----- (2015): "The Composition of the Qur'an", London: Bloomsbury.
- Douglas, Mary (2010): "Thinking in Circles: An Essay on Ring Composition", New Haven: Yale University Press.
- Farrin, Raymond (2014): "Structure and Quranic Interpretation: A Study of Symmetry

- and Coherence in Islam's Holy Text". Ashland: White Cloud Press.
- Greifenhagen, Franz Volker (2009): "The qamis in Surat Yusuf: A Prolegomenon to the Material Culture of Garments in the Formative Islamic Period," Journal of Qur'anic Studies, vol 11, 72-92.
 - Mir, Mustansir (1986): "The Qur'ānic Study of Joseph: Plot, Themes, and Characters", JIQSA. vol 76: 1-15.
 - ----- (2000): "Irony in the Qur'ān: A Study of the Story of Joseph" Stor, vol 2, 173-187.
 - Neuwirth, Angelika (1980): "Zur Struktur der Yūsuf-Sure. Studien aus Arabistik und Semitistik", MIDEO, vol 5, 125-152.
 - Robinson, Neal (2003): "Discovering the Qur'an: A Contemporary Approach to a Veiled Text", Washington: Georgetown University Press.
 - Sinai, Nicolai (2017): "Review Essay: Going Round in Circles", Journal of Qur'anic Studies, vol 19, 106-122.



Bibliography

- Holy Quran
- Ibn Kathir, Ismail (1412 AH): "Tafseer al-Qur'an al-Azeem", Beirut: Dar al-Marafah.
- Abuhian Andalusi, Muhammad bin Yusuf (1420 AH): "Al-Bahr al-Mahayt fi al-Tafsir", Beirut: Dar al-Fikr.
- Antila, Yako Hamin (1398 SH): "Kasravi and the Arabic translations of God's name", Ghazanfari, Kulthum, Karnameh Tarikh, No. 12, 44-78.
- Tha'albi, Ahmed bin Muhammad (1422 AH): "Al-Kashf and al-Bayan al-Moruf Tafsir al-Thalabi" Beirut: Dar Ihiya Al-Turath al-Arabi.
- Hawizi, Abd Ali bin Juma (1415 AH): "Tafsir Noor al-Thaqlain", Qom: Ismailian.
- Robinson, Neil (1391 SH). "Open hands; A re-reading of Surah Ma'ida", Shakir, Mohammad Kazem, Asgari, Ansieh, Qur'anic Researches, No. 69, 156-190.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1412 AH): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", Qom: Jamia Modaresin.
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH): "Jamae al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Dar Al-Marafah.
- Fakhr Razi, Muhammad Ibn Umar (1420 AH): "Al-Tafsir Al-Kabir", Beirut: Dar Ihiya Al-Turath Al-Arabi.
- Farin, Raymond (1398 SH): "The relationship between structure and interpretation in the Qur'an (a study on symmetry and coherence in the sacred text of Islam)", translator: Mohammadian, Samia, Tehran: Arshadan.
- Fazlullah, Muhammad Hossein (1419 AH): "Min wahi al-Qur'an", Beirut: Dar al-Mulak.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1405 AH): "Al-Jamae Lahkam Al-Qur'an", Beirut: Dar Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
- Qutb, Seyyed (1425 AH): "In the Shadows of the Qur'an", Beirut: Dar al-Sharouq.
- Makund, Mahmoud; Shaker, Mohammad Kazem (1394 SH): "Rereading the coherence of the Qur'anic text in the light of the theory of symmetrical order (with emphasis on Michel Kuypers's point of view)", Qur'anic Researches, No. 76, 56-23.
- Mir, Mostanser (1388 SH): "Literary arts and crafts in the Qur'an", Hari, Abulfazl, Qur'anic Researches, No. 59, 154-179.
- Mint Puzieh (2004): "The method of rhetorical analysis and interpretation: analyzes of the texts of Man al-Kitab al-Maqdis and Man al-Hadith al-Nabawi al-Sharif", Beirut: Dar al-Mashriq.
- Abdel Haleem, Mohammad (2005): "Understanding the Qur'an: Themes and Style", MIDEO, vol 15, 139-155.
- Antila, Jaakko Hämeen (1991): "We Will Tell You the Best of Stories", Stor, vol 67, 7-32.
- Anwar Qureshi; Jawad (2017): "Ring Composition in Surat Yusuf (Q. 12)", JIQA, vol 2, 149.173-
- Cuypers, Michel (1995): "Structures rhétoriques dans le Coran: Une analyse structurale de la sourate 'Joseph' et de quelques sourates brèves", MIDEO, vol 22,

- 107–195.
- ----- (2009): “The Banquet: A Reading of the Fifth Sura of the Qur’an, Miami: Convivium”.
 - ----- (2011): “Semitic Rhetoric as a Key to the Question of the nazm of the Qur’anic Text”. Journal of Qur’anic Studies, vol 13, 1-24
 - ----- (2015): “The Composition of the Qur’an”, London: Bloomsbury.
 - Douglas, Mary (2010): “Thinking in Circles: An Essay on Ring Composition”, New Haven: Yale University Press.
 - Farrin, Raymond (2014): “Structure and Quranic Interpretation: A Study of Symmetry and Coherence in Islam’s Holy Text”. Ashland: White Cloud Press.
 - Greifenhagen, Franz Volker (2009): “The qamis in Surat Yusuf: A Prolegomenon to the Material Culture of Garments in the Formative Islamic Period,” Journal of Qur’anic Studies, vol 11, 72-92.
 - Mir, Mustansir (1986): “The Qur’ānic Study of Joseph: Plot, Themes, and Characters”, JIQSA. vol 76, 1–15.
 - ----- (2000): “Irony in the Qur’ān: A Study of the Story of Joseph” Stor, vol 2, 173–187.
 - Neuwirth, Angelika (1980): “Zur Struktur der Yūsuf-Sure. Studien aus Arabistik und Semitistik”, MIDEO, vol 5, 125–152.
 - Robinson, Neal (2003): “Discovering the Qur’an: A Contemporary Approach to a Veiled Text”, Washington: Georgetown University Press.
 - Sinai, Nicolai (2017): “Review Essay: Going Round in Circles”, Journal of Qur’anic Studies, vol 19, 106–122.